

بررسی نظام پولی مسلمانان در حجاز و شام از قرن اول تا دوم هجری قمری

صالح پرگاری^۱

سکینه خدابخشی کاسگری^۲

چکیده

افزایش معاملات و خدمات تجاری، تقاضا برای پول را پدید می‌آورد که به عنوان رکنی ضروری در مبادلات ایفای نقش می‌کند. جامعه‌ی اسلامی در ابتدا دارای پول خاص خود نبود و از درهم و دینار ایران و روم در معاملات استفاده می‌کرد. در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری با اقدامات عبدالملک بن مروان خلیفه اموی سکه‌های اسلامی ضرب شدند. سکه‌های درهم و دینار دارای یک وزن مشخص و مقدار معین نقره و طلا بودند. وجود دارالضرب‌های فراوان در قلمرو اسلامی در قرن دوم هجری گویای استقلال مالی مسلمانان بود. سکه‌ها علاوه بر کاربرد اقتصادی، از مهمترین منابع اطلاعاتی مربوط به عناوین و القاب، گسترش قلمرو اسلامی و مدت خلافت و حکومت بودند. با گسترش بازرگانی، بازرگانان مسلمان علاوه بر سکه از پول اعتباری در داد و ستد استفاده می‌کردند که از مزایایی چون امنیت و حمل و نقل آسان برخوردار بودند. ضرب سکه و استفاده از انواع پول در معاملات تجاری موجب رشد و رونق اقتصادی در سراسر قلمرو اسلامی گردید.

واژه‌های کلیدی: پول، سکه، درهم، دینار، اوزان.

^۱ . دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی. pargarisaleh@yahoo.com

^۲ . کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی. Khoda.bakhshi33.maryam@gmail.com

مقدمه

یکی از ارکان اصلی در تجارت، پول است. جامعه‌ی اسلامی تا دهه هفتاد هجری از سکه‌های ایران و روم در معاملات استفاده می‌کردند. به فرمان عبدالملک بن مروان سکه‌هایی با متون عربی ضرب شدند و به تدریج در سراسر قلمرو اسلامی رواج یافتند. روند ضرب سکه‌های اسلامی تا زمان عباسیان با تغییرات جزئی ادامه یافت. پژوهش درباره‌ی فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان، به خصوص قرون اولیه اسلام اهمیت بسیاری دارد. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در تلاش است به این سوال پاسخ گوید که روند شکل‌گیری نظام پولی مسلمانان با توجه به وضعیت اقتصادی دولت اسلامی از صدر اسلام تا پایان دوره‌ی اموی در قلمرو اسلامی چگونه بود؟

نفوذ و گسترش اسلام در سرزمین‌های دور دست تحولات اقتصادی مهمی را طی قرون اول تا دوم هجری به دنبال آورد. در قرن اول هجری جامعه اسلامی از لحاظ اقتصادی به غنیمت‌های جنگی، خراج، جزیه، زکات و عشور کالاهای بازرگانی وابسته بود. در قرن دوم هجری با پایان یافتن فتوحات و کسب غنائم، هزینه‌های اقتصادی دولت از طریق کشاورزی، صنایع، معادن و تجارت در سراسر قلمرو اسلامی تأمین می‌شد. با ایجاد فضای مناسبی که خلفا به وجود آوردند اوضاع اقتصادی کشور از رشد و رونق بالایی برخوردار شد. در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان گفت که مسلمانان در صدر اسلام (زمان حضرت محمد(ص)) به دلیل فقر اقتصادی قادر به ضرب سکه نبودند. در نتیجه رشد اقتصادی جامعه، در ربع آخر قرن اول هجری سکه‌های اسلامی جانشین سکه‌های ایران و روم شد. از قرن دوم با توجه به وضعیت اقتصادی بسیار خوب مسلمانان، در سراسر قلمرو اسلامی ضرب سکه‌های طلا و نقره گسترش یافت. در این پژوهش، پول و اهمیت آن، انواع سکه و

پول، ضرب، وزن درهم و دینار مورد بررسی قرار می‌گیرند تا با استفاده از نتایج این بررسی، امکان مطالعه نظام پولی جامعه اسلامی بهتر فراهم شود.

پول

امروزه ممکن نیست کسی در جهان باشد که سکه و پول را نشناسد و ارزش و اهمیت آن را نداند. در تمام جوامع بازرگانی با پول انجام می‌شود. افزایش معاملات و خدمات تجاری، تقاضا برای پول را پدید می‌آورد و در اقتصاد تجاری به عنوان رکنی ضروری در مبادلات نقش مهمی بر عهده دارد. هر چیزی که بتوان از آن در داخل یک نظام مالی به خصوص بازارها به عنوان وسیله‌ی مبادله استفاده کرد، پول نامیده می‌شود (گولد، ۱۳۸۴: ۱۸۹). به پول عناوینی چون وسیله‌ی مبادله، وسیله‌ی پرداخت‌ها و وسیله‌ی گردش داده‌اند (چندلر، ۱۳۴۶: ۱ / ۱۱۹).

در جوامع ابتدایی، داد و ستد به صورت کالا با کالا یا پایاپای (تھاٹری) انجام می‌گرفت که به مبادله مستقیم کالا با کالا یا خدمات موسوم است (قدیری اصل، ۱۳۶۸: ۷). این نوع سیستم مبادله معایب و محدودیت‌هایی چون اتلاف وقت، زحمت و مشقت فراوان (چندلر، ۱۳۴۶: ۱ / ۵). عدم امکان دسترسی سریع و آسان به کالاهای مورد نیاز، فقدان وسیله‌ای برای ارزش‌گذاری، تقسیم ناپذیری و عدم امکان ذخیره برخی از کالاها، محدودیت مبادله با مناطق دور و عدم رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشت. این موانع و محدودیت‌ها با وسیله‌ای به نام پول از میان برداشته شد (احمد، ۱۳۸۳: ۱-۳؛ قدیری اصل، ۱۳۶۸: ۷۸). که توانست توازن میان صادرات و واردات را برقرار کند. در ابتدا کالاهایی مثل نمک، صدف، قلاب ماهی‌گیری، حیوانات و غیره را به عنوان واسطه‌ی مبادله، واحد سنجش و ارزش به کار می‌بردند که به آن پول کالایی می‌گفتند. حمل و نقل، فسادپذیری، عدم تقسیم‌پذیری و تفاوت در کیفیت برخی از کالاها مشکلات این نوع پول بود و به مرور زمان با

کشف و استخراج فلزات قیمتی، پول فلزی جایگزین سایر کالاها شد (احمد، ۱۳۸۳: ۶-۵؛ مکی، ۱۳۸۳: ۲۳۳).

پول‌های فلزی بهترین ابزار مبادله و معیار ارزش شمرده می‌شدند که دارای ویژگی‌ها و خصوصیتی از قبیل بادوام و مقاوم بودن، قابل حمل و نقل بودن، قابل تقسیم و تجزیه بودن، یک شکل بودن، قابل ذخیره بودن، قابل قبول عموم بودن، خوش رنگ، زیبا و شفاف بودن، فساد ناپذیری، اکسیده نشدن و ثبات قیمت بودند (قدیری اصل، ۱۳۶۸: ۹؛ برزگر، ۱۳۸۷: ۲۷). سکه یا پول فلزی، قطعه‌ای از فلز مثل طلا، نقره و مس با وزنی معین بود که بر روی آن علامت رسمی حکومت منقوش شده بود و در سراسر کشور رواج داشت (ملکزاده بیانی، ۱۳۷۰: ۱/ ۱۴).

هیچ دولتی بدون سکه نبود چون از نشانه‌های خلافت یا پادشاهی به حساب می‌آمد. هر حکومتی نام خلیفه یا پادشاه را روی فلزات ضرب می‌کردند. برای شناخت اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص اقتصادی یک دوره‌ی خاص، مورخ و محقق می‌تواند با بررسی نوشته‌ها، نقش‌ها، سال، وزن، جنس و عیار سکه‌ها به اطلاعات موثق و مهمی دست پیدا کنند (جمعی از مولفان، ۱۳۸۳: ۲۹). اگرچه در طی زمان از کیفیت هنری و ارزش زیبایی سکه‌ها کاسته می‌شود ولی دارای اهمیت بسیاری هستند. اطلاعات مختلفی که از سکه‌ها به دست می‌آید، برای روشن شدن و شناختن تاریخ‌های محلی، آداب و رسوم، خط، زبان، هنر، تمایلات مذهبی و عقیدتی، القاب خلفا، پادشاهان و امراء محلی و سلسله‌های حکومتی سودمند و مفید هستند (زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۱؛ دریایی، ۱۳۸۷: ۳۱). نوع و جنس فلزاتی که برای ضرب سکه‌ها استفاده می‌شدند وضعیت اقتصادی و مالی آن منطقه را نشان می‌دادند. کشورهای که پول رایج آن‌ها طلا بود به نسبت کشورهای که از پول‌های نقره و مس در مبادلات استفاده می‌کردند از اقتصاد بالاتری برخوردار بودند. سکه‌ها

علاوه بر کاربرد اقتصادی به خصوص در زمینه‌ی تجارت و بازرگانی، منابعی برای شناخت فرهنگ و تمدن در زمان‌های بسیار دور و قدیمی هستند.

سکه‌های عرب ساسانی

سال‌ها قبل از اسلام در شبه جزیره عربستان داد و ستد به صورت پایاپای انجام می‌شد. به تدریج و با گسترش بازرگانی در این منطقه و رابطه تجاری عرب‌ها با کشورهای همسایه استفاده از پول در مراکز تجاری چون مکه و مدینه رواج پیدا کرد. آن‌ها به دلیل فقر اقتصادی قادر به ضرب سکه نبودند و در مبادلات و داد و ستدهای شان از دینارهای رومی یا هرقلی و درهم‌های ایرانی یا کسروی استفاده می‌کردند. علت استفاده از سکه‌های ایران و روم این بود که، بیشتر معاملات عرب‌ها با ایران و روم و سرزمین‌های تحت نفوذ آن‌ها مثل عراق، یمن، شام و مصر انجام می‌شد. واردات درهم و دینار نیز به میزان کالاهای صادراتی عرب‌ها بستگی داشت. بعد از اسلام، پیامبر(ص) نیز معامله با این سکه‌ها را امضاء کردند و مسلمانان در معاملاتشان از همین سکه‌ها استفاده می‌کردند(پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۲۷-۱۳۱). برای نظام اقتصادی یک کشور داشتن پول ضروری و ضرب سکه برای گردش مالی و پرداخت مالیات لازم بود. به همین دلیل پس از تصرف سرزمین‌های دیگر و گسترش قلمرو اسلامی، مسلمانان تصمیم گرفتند تا سکه‌های مخصوص ضرب کنند. سکه‌های کشورهای قلمرویی از جمله ایران تحت تأثیر دین اسلام قرار گرفت و اولین سکه‌های اسلام در قلمرو ایران توسط حاکمان عرب مسلمان ضرب شدند.

سکه‌های عرب ساسانی، به سکه‌های اولیه اسلام تا قبل از اصلاحات عبدالملک بن مروان گفته می‌شود که به همان سبک سکه‌های ساسانی با تغییراتی در نوشته‌ها و گاهی تصاویر بودند. به عبارتی دیگر ترکیبی از طرح‌ها و نقش‌های ایرانی و عربی(سامی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۰۸؛ قاسم‌بگلو، ۱۳۸۵: ۵۰). که به دو خط پهلوی و کوفی بر روی آن‌ها حک شده بودند(جدی، ۱۳۸۷: ۸۳). درهم‌های عرب ساسانی در زمان

خلفای راشدین و اوایل دولت اموی یعنی تا زمان حکومت عبدالملک بن مروان کاربرد داشتند (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۱۶). مسلمانان از سکه‌های پادشاهان ساسانی، به خصوص خسرو دوم و یزدگرد سوم (مشیری، ۱۳۸۹: ۱۶۵). تقلید کردند بدون اینکه تصاویر پادشاهان ساسانی و محل و تاریخ ضرب را از روی آن‌ها بردارند، نام خود و کلمات شهادتین (جَیْد، بسم الله، بسم الله ربی، بسم الله لا اله الا الله، بسم الله لا اله الا الله وحده محمد رسول الله، بسم الله ولی الامر، الحمد لله، محمد رسول الله و نمونه هایی از این قبیل) را به خط کوفی بر حاشیه‌ی سکه‌ها بر آن‌ها اضافه کردند (امینی، ۱۳۸۹: ۱۵؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۰-۱۱ و ۴۲-۴۱ و ۵؛ نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲ و ۳۳؛ داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۸؛ غلامی دهقی، ۱۳۹۱: ۱۰۵؛ وثیق، ۱۳۸۷: ۴۲). سکه‌های عرب ساسانی تا قرن دوم هجری در طبرستان و بخارا ضرب می‌شده‌اند (زرین-کوب، ۱۳۸۹: ۹۱؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۶۷). بر روی این نوع از سکه‌ها نیم‌رخ خسرو دوم (پرویز) با تاج مخصوص درون یک دایره و یک نیم دایره نقش شده است و سمت راست و چپ بیرون دایره ماه و ستاره و در زیر دایره نیز طرح ماه و ستاره با چند نقطه وجود دارد. رو به روی تصویر خسرو نام حاکم به خط پهلوی و پشت تصویر نیز واژه‌ی پهلوی افزوت (فزونی و برکت) و بر حاشیه‌ی سکه واژه عربی «بسم الله» به خط کوفی ضرب شده است. بر پشت سکه درون سه دایره‌ی تو در تو آتشدان مقدس زرتشتی با نقش دو نفر در دو سوی آن قرار دارد. در سمت راست درون دایره‌ها نام ضرابخانه و در سمت چپ آن تاریخ ضرب به خط پهلوی نوشته شده است. در چهار طرف بیرون دایره‌ها نیز، روی موقعیت ساعت ۳-۶-۹-۱۲ نقش ماه و ستاره ضرب شده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۷۴).

مسلمانان بعد از استیلا بر ایران، نام برخی از ایالت‌ها و شهرها را به علت نبودن برخی حروف فارسی (مثل پ-گ) در زبان عربی تغییر دادند. به همین دلیل گندی-شاپور به جندی‌سابور و دارابگرد به دارابجرد تبدیل شده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹:

۵۹-۶۰). عدم آشنایی عرب‌ها با روش سکه‌زنی، اعتبار شاه ساسانی نزد مردم (امینی، ۱۳۸۷: ۲۹۳-۲۹۴) و عادت مردم ایران به این نوع از سکه‌ها (ساسانی) (نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۷۴). موجب شد که حاکم جدید نتواند به راحتی تصویر خود را جایگزین شاه ایران کند. علاوه بر آن به دلیل شرعی نقش تصویر بر سکه را نوعی بت‌پرستی می‌دانستند، از طرف دیگر حکام تصور می‌کردند به واسطه‌ی تغییر ظاهر سکه، اعتبار آن از میان می‌رود. به همین دلیل، مسلمانان بعد از ورود به ایران ضرب سکه‌های ایرانی را به همان سبک و روش قبلی ادامه دادند. سکه‌های طلا را «عین» و سکه‌های نقره را «وَرَق» می‌نامیدند (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۴؛ داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۶). از میان درهم‌های ایرانی که استفاده می‌شد، طبری و بغلی رواج بیشتری داشتند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۵۰۳/۱). سکه‌های ساسانی نازک، ساده و تا حدودی فاقد ظرافت و کار هنری بودند (سامی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۷).

در زمان حیات حضرت محمد (ص) (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۴؛ صدر، ۱۳۷۴: ۱۵۰)، خلافت ابوبکر و چند سال از خلافت عمر در فعالیت‌های اقتصادی از همان سکه‌های ایران و روم استفاده می‌شد و هیچ تغییری در وضعیت سکه‌ها ایجاد نشد (سامر، ۱۳۹۱: ۲۰۲). ولی در سال ۱۸ هجری به فرمان عمر (اولین خلیفه‌ای که بعد از اسلام به دستور او سکه ضرب شد) (سامی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۸). درهم عرب ساسانی به تقلید از سکه‌های ساسانی سکه زده شد (غلامی دهقی، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۵؛ داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۸). درهم‌های عهد عثمان به سبک درهم عمر و همچنین نقش «الله اکبر» بود که توسط حاکمان و امرا عرب ضرب شدند (داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۸؛ دهخدا، ۱۳۷۲: ۵۳۸/۲۳؛ نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۳۸؛ غلامی دهقی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در دوره‌ی حضرت علی (ع) درهم‌هایی به همان سبک و مضامین قبلی ضرب شده‌اند (داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹؛ پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۹؛ مکی، ۱۳۸۳: ۲۳۷؛ نقشبندی، ۱۳۶۹: ۵ و ۳۳-۳۴) و در دوران

خلافت معاویه نیز درهم‌های عرب ساسانی ضرب شده است (زرین کوب و دیگران، ۱۳۷۹: ۴/ ۳۱۶؛ نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۷۴؛ نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۴؛ اشپولر، ۱۳۷۹: ۲/ ۲۴۱). برخی نویسندگان دینارهایی مانند دینارهای ایرانی به معاویه نسبت داده‌اند (زیدان، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰۲؛ بیات، ۱۳۷۰: ۱۹۶؛ مزارعی، ۱۳۸۴: ۱۴۷؛ پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۶۱). در دوران حکومت خلفای راشدین (صدر، ۱۳۷۴: ۱۵۱-۱۵۲) و معاویه (وثیق، ۱۳۸۷: ۴۲) اگرچه مسلمانان در اثر فتوحات به دست آمده و کسب غنایم فراوان، از نظر اقتصادی در سطح نسبتاً خوبی قرار گرفتند ولی اقدام مهمی در زمینه‌های اقتصادی به ویژه در نظام پولی صورت نگرفت. چون مسلمانان در این دوره بیشتر به فکر کشورگشایی و گسترش دین اسلام بودند. با این‌که در این دوره ضرب سکه شروع شد و تغییراتی در نقش و نوشته‌های سکه‌ها به وجود آمد، ولی آن قدر گسترده نبود که در وضع بازار تاثیر بگذارد و پول رایج کشور شود و تغییر کلی در سیستم پولی داشته باشد بلکه ضرب این نوع سکه‌ها زمینه‌ساز ضرب سکه‌های اسلامی شد. به همین دلیل سکه‌های عرب ساسانی در سرزمین‌های اسلامی رسمیت نداشتند و همچنان در معاملات از دینار رومی و درهم ایرانی استفاده می‌کردند.

سکه‌های عرب بیزانسی

مسلمانان علاوه بر درهم‌های عرب ساسانی، دینارهای عرب بیزانسی نیز ضرب کردند. ولی انتشار این نوع از سکه‌ها در سرزمین‌های اسلامی محدود بودند و در معاملات و بازرگانی رواج و کاربرد نداشتند. بر روی سکه‌های بیزانسی نقش حضرت عیسی یا مقدسان دیگر مسیحی ضرب شده بود (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۰). سکه‌های عرب بیزانسی به سکه‌هایی گفته می‌شود که مسلمانان به تقلید از سکه‌های رومیان ضرب می‌کردند (وثیق، ۱۳۸۷: ۴۲). این سکه‌ها پس از فتح سوریه و فلسطین در زمان خلیفه‌ی دوم توسط مسلمانان ضرب شده‌اند. با ترکیبی از نقش اصلی سکه-

های امپراتوری بیزانس و نوشته‌هایی اسلامی به خط کوفی که معمولاً بدون نام و تاریخ بودند، ولی نام خلیفه (عبدالملک) یا تاریخ ضرب (۷۵ هجری) بر تعدادی از آن‌ها ضرب شده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۲۷). قدیمی‌ترین دینار شناخته شده-ای که به مسلمانان نسبت می‌دهند دیناری است که خالد بن ولید در سال ۱۵ هجری در طبریه شام ضرب کرد. این سکه مانند دینارهای رومی یک طرف آن دارای صلیب، تاج و چوگان بود و بر طرف دیگر سکه به حروف یونانی کلمه‌ی خالد و (Bon) نقش شده بود. به عقیده‌ی دکتر مولر مورخ آلمانی کلمه‌ی Bon مخفف ابوسلیمان، کنیه خالد است (زیدان، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰۱-۱۰۲؛ بیات، ۱۳۷۰: ۱۹۶؛ پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۷). یکی از عوامل عزل خالد را ضرب همین سکه‌ها می‌دانند (پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

تقریباً همه‌ی قلمرو ایران در صدر اسلام به تصرف نیروهای اسلامی درآمد، ولی تمام قلمرو دولت روم از تصرف آن خارج نشد. از طرف دیگر اداره‌ی بیت‌المال مسلمانان از زمان عمر بر عهده‌ی ایرانیان بود. به طور طبیعی دفترداران و حسابداران ایرانی نیز دخل و خرج بیت‌المال را برحسب درهم ارائه می‌دادند. به همین دلیل درهم‌های ایرانی از دینارهای رومی متداول‌تر و رایج‌تر بودند (صدر، ۱۳۷۴: ۱۴۸). در نتیجه سکه‌های عرب بیزانسی به گستردگی سکه‌های عرب ساسانی نبودند و تعدادشان اندک بودند. نقش‌ها و نوشته‌های آن‌ها نیز با هم یکسان نبودند و جنس اکثر آن‌ها از مس و تعدادی نیز از طلا بودند (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۳۸ و ۱۲۷). از طرف دیگر مسلمانان دینارهای رومی را مرغوب‌تر از دینارهای ایرانی می‌دانستند. به طوری که زیبایی و درخشندگی دینارهای رومی در نزد آن‌ها ضرب‌المثل شده بود (زیدان، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰۱).

در کل سیستم پولی دولت اسلامی تا قبل از ضرب سکه‌های اسلامی یک سیستم دو فلزی طلا و نقره بود. به این معنی که در مناطق شرقی مثل ایران، عراق، حجاز و

یمن پول اصلی درهم‌های نقره‌ای بود که مردم در معاملات از آن‌ها استفاده می‌کردند. از طرف دیگر پول رایج در مناطق غربی قلمرو اسلامی چون مصر، سوریه و فلسطین دینارهای طلای رومی بود. البته مردم هر منطقه فقط یک نوع پول را نمی‌شناختند بلکه بیشتر معاملات‌شان با پول رایج آن منطقه انجام می‌شد و پول دیگر را در صرافی‌ها بر اساس قیمت روز به پول رایج آن منطقه تبدیل می‌کردند. بر این اساس محاسبات مالیاتی دولت اسلامی زمانی به درهم و زمانی دیگر به دینار بود و از آنجایی که درآمد و مخارجش در سراسر قلمرو اسلامی با سیستم پولی مختلف بود، بنابراین در اخذ مالیات و زکات و همچنین پرداخت هزینه‌ها با هر دو نوع پول نقره‌ای و طلایی سروکار داشتند (پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴).

سکه‌های اسلامی

به سکه‌های اصلاح شده‌ی پنجمین خلیفه‌ی اموی، عبدالملک بن مروان، سکه‌های اسلامی می‌گویند که به جای تصاویر انسانی و نشانه‌های مذهبی، به خط کوفی نوشته‌های عربی با متون مذهبی مثل سوره توحید در متن سکه و سوره توبه در حاشیه ضرب شده است. این سکه‌ها بدون نام خلیفه بودند، ولی با کمک تاریخ ضرب آن‌ها می‌توان به نام خلیفه‌ای که سکه در زمان او ضرب شده است پی برد. نام ضرب و محل ضرب را نیز بر روی سکه‌ها می‌نوشتند (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۱ و ۲۲ و ۶۶-۶۷؛ قاسم‌بگلو، ۱۳۸۵: ۵۰؛ اشپولر، ۱۳۷۹: ۲/ ۲۴۴؛ نقشبندی، ۱۳۶۹: ۱۵). به نوشته اشپولر سکه‌هایی که بعد از عبدالملک در جوامع اسلامی ضرب شدند، یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی مربوط به عناوین و القاب، گسترش حوزه حاکمیت، مدت خلافت و حکومت و اوضاع اقتصادی می‌باشند (اشپولر، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۴۴). به فرمان عبدالملک معامله با انواع پول‌های وارداتی (رومی و ایرانی) ممنوع شد و ضرب سکه‌های اسلامی آغاز شد. این سکه‌ها به تدریج جانشین سکه‌های قبلی شدند. در نتیجه قلمرو اسلامی دارای یک سیستم پولی مستقل گردید که کیفیت

و کمیّت ضرب سکه‌ها را حکومت مرکزی معین می‌نمود(پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۵). علاوه بر آن به فرمان او زبان عربی زبان رسمی اداری در سراسر قلمرو اسلامی اعلام شد. سیستم پولی یکسان و عربی دارای نتایجی از جمله: از میان برداشتن تفاوت در میزان زکات، مهریه و دیه، رهایی از پول‌های مسیحی که عبارت تثلیث داشت، پیشرفت سیاسی حکومت اموی و استقلال اقتصادی مسلمانان از نفوذ بیگانگان بود(طغوش، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۴).

به گفته‌ی بسیاری از مورخین از جمله طبری(طبری، ۱۳۷۵: ۸ / ۳۵۸۳)، واقدی(واقدی، ۱۳۷۴، ۵ / ۳۴۵)، ابن اثیر(ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳ / ۱۸)، دینوری(دینوری، ۱۳۶۸: ۳۶۰)، ابن خلدون(ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۲ / ۷۸)، بلاذری(بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۵۳)، مستوفی(مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۷۴)، جرجی زیدان(زیدان، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۰۳-۱۰۲) و فیلیپ حتی(حتی، ۱۳۸۰: ۲۸۰). اولین کسی که به طور رسمی و عمومی دینار و درهم اسلامی ضرب کرد عبدالملک بن مروان بود. اقدام او موجب رواج یک نوع سکه در سرزمین‌های اسلامی شد و تمام سکه‌های مختلف جمع‌آوری گردید(به جز در چند مورد استثنایی که تا سال ۸۴ هجری ادامه یافت(شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۶۷). او اولین کسی بود که به زبان عربی خالص بر سکه‌ها نقش نهاد(ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۲۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۳۳/۲). دینارهای اسلامی‌ای که در دوره‌ی عبدالملک در دمشق ضرب می‌شدند به دینار دمشقی معروف بودند(بیات، ۱۳۷۰: ۱۹۶). علایم مسیحی و زردشتی روی سکه‌ها جای خود را به نقوش عربی دادند، تمام سکه‌ها به خط کوفی بودند(ملکزاده بیانی، ۱۳۷۰: ۱ / ۳۸). این سکه‌ها نماد حاکمیت، هویت، قدرت دولت و عدم وابستگی اقتصادی به امپراتوری‌های قبلی بودند(لایپدوس، ۱۳۸۷: ۱۰۹) و موجب استقلال مالی مسلمانان و همچنین وحدت و همبستگی میان آنان شد.

مورخان دلیل ضرب سکه‌های اسلامی را این گونه شرح داده‌اند: عبدالملک روزی کاغذی را دید که روی آن به سبک رومی و مسیحی شعار پدر، پسر و روح‌القدس نوشته شده بود. او نیز در آغاز نامه‌ای که برای امپراتور روم فرستاد عبارت «قل هو الله احد» را نوشت. با این اقدام عبدالملک، امپراتور روم عصبانی شد و گفت: اگر این کار را ترک نکنید بر روی دینارهای رومی که در سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌شود عباراتی حک می‌شود که به پیامبر شما توهین خواهد شد. به دنبال این تهدید عبدالملک به فکر چاره افتاد و با امام محمد باقر (ع) به مشورت پرداخت. ایشان نیز درهم و دینار ایرانی و رومی را تحریم کردند و فرمان ضرب سکه‌های اسلامی را دادند (زیدان، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰۲؛ داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۰-۶۱). ولی ابن اثیر (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳/ ۱۸)، بلاذری (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۴۳). و ابن خلدون (ابن-خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۷). این رأی و فرمان را به خالد بن یزید بن معاویه نسبت می‌دهند. بعد از عبدالملک، جانشینانش ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز به سبک عبدالملک بن مروان سکه‌ها را ضرب می‌کردند (غلامی دهقی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

تا زمانی که پول رایج و رسمی به جریان گذاشته نشد، فرمانروایان ایالات هر کدام در حوزه‌ی حکمرانی خودشان ضربانخانه‌ای جداگانه داشتند و سکه‌هایی به نام خود ضرب می‌کردند. مصعب بن زبیر در سال ۷۰ هجری نخستین کسی بود که در عراق دینار و درهم ضرب کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۰۰؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۵۱-۶۵۲). بعد از او حجاج بن یوسف، عامل اموی در عراق در سال ۷۵ هجری درهم ضرب کرد (ماوردی، ۱۳۸۳: ۳۱۵). سکه‌هایی که حجاج بر روی آن سوره‌ی اخلاص را حک کرد (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۳۵)، فقها و علمای دین آن را مکروهه نامیدند، آن‌ها معتقد بودند که افراد ناپاک بر آن دست می‌زنند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳/ ۱۹؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۷؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۵۲). ولی عجمان از کمی وزن آن اکراه داشتند و آن

را مکروه می‌نامیدند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۵۲). بر روی سکه‌های حجاج گاهی نام وی به خط کوفی نوشته می‌شد (زرین کوب و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۱۶/۴). پس از حجاج، در دوران خلافت یزید بن عبدالملک، عمر بن هبیره به فرمانروایی عراق رسید. او اولین کسی بود که امر نظارت بر درستی وزن و خالص کردن نقره را جدی گرفت و درهم‌های مرغوبی را سکه زد. پس از او خالد بن عبدالله قسری در زمان هشام بن عبدالملک همین روش را ادامه داد. اما بعد از او یوسف بن عمر، برای مرغوبیت سکه‌ها جدیت بیشتری به خرج داد. افراط و سخت‌گیری او به حدی بود که یک بار عیار درهم‌ها را آزمایش کرد و متوجه شد که یک درهم، یک حبه (نخود) کم دارد و هر یک از کارگران ضربخانه را که صد نفر بودند هزار ضربه شلاق زد. درهم‌های هبیری و خالدی و یوسفی از مرغوب‌ترین و بهترین سکه‌های دوران امویان بودند. به طوری که منصور عباسی از سکه‌های امویان فقط این نوع سکه‌ها را به عنوان خراج قبول می‌کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۵۲-۶۵۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳/۱۹؛ ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۱/۵۰۰؛ ۱۳۶۳: ۷۷/۲).

با اینکه ضرب سکه اسلامی به فرمان عبدالملک در بیشتر مناطق اسلامی به طور رسمی شروع شد و رواج یافت ولی در برخی نواحی ایران سکه‌های ساسانی یا عرب ساسانی ضرب و استفاده می‌شدند. امرای طبرستان خود را از شاهزادگان ساسانی می‌دانستند و پس از کشته شدن یزدگرد سوم در برابر مسلمانان مقاومت بسیاری کردند. بعد از فتح ایران و تا مدت زمان بسیار طولانی (تا حدود سال ۱۸۰ هجری) سکه‌هایی به سبک ساسانی و خط پهلوی در این ناحیه ضرب می‌کردند (سامی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۸؛ زرین کوب و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۱۷/۴). این سکه‌ها را طبرستانی می‌نامیدند و وزن (حدود ۲ گرم آن‌ها) از سکه‌های عرب ساسانی کمتر و اندازه‌ی آن نیز کوچکتر بودند (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۱).

بر روی یک طرف درهم و دینارهای اموی به خط کوفی آیات ۱۱۲ سوره قرآن «الله احد، الله الصمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد» و بر پیرامون آن آیه ۳۳ سوره توبه «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»، بر روی طرف دیگر سکه عبارت شهاده «لااله الاالله وحده لاشریک له» و بر حاشیهی آن به صورت دایره عبارت «بسم الله و سال ضرب» حک شده بود (وثیق، ۱۳۸۷: ۵۰؛ زرین کوب و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۱۸/۴). ذکر محل ضرب در پشت سکه همیشه به خط پهلوی بود. سکه‌های نقره در عصر امویان بدون نام اشخاص بودند. به طوری که امکان تشخیص سکه‌های فرمانروای کل از والی وجود نداشت و بر اساس تاریخ ضرب به نام خلفا پی می‌بردند (اشپولر، ۱۳۷۹: ۲/۲۴۲ و ۲۴۶). بر روی سکه‌های طلای اموی فقط تاریخ ضرب سکه ضرب می‌شد و ذکر محل رایج نبوده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۲۲). سکه‌ی نقره بیشتر در مناطق بومی و اسلامی به منظور تجارت داخلی استفاده می‌شد. ولی سکه‌ی طلا برای تجارت خارجی و معاملات راه دور کاربرد بیشتری داشت.

پول اعتباری

بازرگانان عرب برای داد و ستد آسان‌تر «برگه‌های اعتباری» یا «چک» را ابداع کردند که تقریباً در همه‌جای امپراتوری با کالاها قابل معاوضه بودند و به منزله‌ی نخستین نظام مالی اعتباری در جهان شناخته شده بودند (کورزین، ۱۳۸۶: ۱۲ و ۶۳). از مزایای پول اعتباری امنیت و حمل و نقل آسان آن بود. سفرهای بازرگانی که حداقل سالی دو بار میان شام و یمن قبل از بعثت رسول خدا (ص) انجام می‌شدند موجب صدور و قبول حواله و چک یا سفته میان بازرگانان قریش، شام و یمن شد. رواج معاملات نسبه قبل و بعد از اسلام که همراه با اصلاحاتی بود، نشانه‌ی استفاده‌ی فراوان از این نوع معامله بودند. رسیدی که میان طرفین معامله رد و بدل می‌شد اگر مورد قبول سایر معامله‌کنندگان بود، به عنوان پول و وسیله‌ی مبادله استفاده می‌شد. عمر بن

خطاب اولین کسی بود که چک صادر نمود. حجم کالاهای وارد شده از مصر به مدینه زیاد بودند و مانع تقسیم سریع میان مردم می‌شد. به دستور عمر، زید بن ثابت برای مردم برحسب منزلت‌شان بر روی کاغذی حواله یا همان چک را نوشت و مهر نمود تا مردم به تدریج به بیت‌المال رجوع کنند و سهمیه‌ی خویش را تحویل بگیرند. برخی از مردم این حواله‌ها را به افراد دیگر می‌فروختند که با مخالفت عمر مواجه شدند. در زمان حکومت مروان بن حکم نیز برخی از مردم حواله‌های طعام جار(به حبوباتی که از مصر وارد می‌شد و در بندر جار انبار می‌گردید و از آن‌جا در میان مردم مدینه تقسیم می‌شد) را قبل از اینکه طعام را تحویل بگیرند، می‌فروختند که توسط ماموران مروان از این کار جلوگیری به عمل آمد(صدر، ۱۳۷۴: ۱۴۹ و ۱۵۲؛ علی، ۱۳۷۵: ۳۳۶-۳۳۷). به علت فراوانی قبایل و اختلافات دایمی آن‌ها، بعد مسافت مناطق شمالی، مرکزی و جنوبی شبه جزیره و دشواری مسافرت، حجم پول اعتباری در این منطقه بسیار چشم‌گیر و گسترده نبود و بازرگانان در معاملات بیشتر از همان درهم و دینار استفاده می‌کردند(صدر، ۱۳۷۴: ۱۵۰). یکی از علت‌ها نیز می‌تواند عادت داشتن مردم و بازرگانان به پول نقد باشد. به طوری که امروزه با پیشرفت‌هایی که در نظام پولی به وجود آمده است برخی از بازرگانان و بازاریان در معاملات‌شان فقط از پول نقد استفاده می‌کنند و از ابزارهای پیشرفته بهره نمی‌برند. با گسترش سرزمین‌های اسلامی برای محدود کردن حمل پول‌های نقد، بازرگانان با طرف‌های معاملاتی و افراد سرشناس پیمان یا توافق نامه‌های تجاری یا مالی در دو منطقه مختلف به امضا می‌رساندند. بدین ترتیب که فرد سوم با در دست داشتن امضای یک طرف که همان سفته بود، می‌توانست با ارائه‌ی آن به طرف مقابل، چیزی دریافت کند(هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۶۲۴؛ مکی، ۱۳۸۳: ۲۴۰). هم‌زمان با توسعه بازرگانی و معاملات پولی در دوران اسلامی عملیات صرافی و بانکداری نیز گسترش یافت. در شهرهای مهم ایران صرافان به حساب مشتریان پول نگه می‌-

داشتند، در معاملات بازرگانی شرکت می‌کردند و از شهری به شهر دیگر پول حواله می‌دادند. کارگزاران پولی حکومتی که در حقیقت صرافان دولتی بودند، جهبذ و سازمان آن‌ها را جهبذه می‌گفتند. جهبذها علاوه بر کارهای صرافی، در امر تسعیر (نرخ‌گذاری اجناس)، وصول مالیات و خراج نیز دخالت می‌کردند (مزارعی، ۱۳۸۴: ۲۸۵). اغلب اوقات جهبذها را از میان تاجران اصیل انتخاب می‌کردند (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۶۳۴).

ضرابخانه

کلمه‌ی سکه در ابتدا نام مهر آهنینی بود که بر آن کلمات و نقش‌هایی که به صورت معکوس حک شده بودند بر روی درهم و دینار ضرب می‌کردند. سپس نقشی را که از سکه بر روی پول می‌افتاد سکه خواندند. بعد از مدتی عمل ضرب سکه‌ی طلا و نقره، نظارت در تکمیل آن‌ها، تهیه کردن نیازمندی‌ها و لوازم آن را نیز سکه می‌نامیدند. به تدریج کلمه‌ی سکه در عرف و اصطلاح به مفهومی که امروزه کاربرد دارد اختصاص یافت (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۹۸-۴۹۹؛ زیدان، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۰۴-۱۰۵). کار سکه‌سازی در مجموع عبارت بود از: طرازی‌بندی یا ترسیم اشکال، نقوش و نوشته‌های متن، سرسکه‌سازی، تولید پیش‌سکه‌ها یا سَبِیکه‌ها یا مُطَّلَس‌ها، ضرابی یا سکه‌زنی و مُمیزی یا رسیدگی دقیق درباره‌ی درستی وزن، طراز و عیار سکه‌ها (عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۰-۳۴). وسایلی از جمله چکش، سرسکه رویی و زیرین که طرح رو و پشت سکه‌ی مورد نظر به صورت معکوس بر آن حک شده بود، ترازو و قیچی مخصوص برای ضرب کردن سکه‌ها استفاده می‌شدند (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۱۹). بعد از ضرب سکه‌ها و قبل از این‌که سکه‌ها در کشور به جریان گذاشته شود کار مُمیزی بر روی آن‌ها انجام می‌شد تا از رواج سکه‌های ناخالص و معیوب جلوگیری به عمل آید. بالاترین مقام مسئول دارالضرب که معمولاً امور ممیزی را نیز بر عهده داشت مُعیر نامیده می‌شد (عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۴). فراوانی تعداد ضرابخانه‌ها موجب شد

که سکه‌های ناخالص و تقلبی در مناطق اسلامی رواج پیدا کند و مشکلاتی را برای دولت و مردم به وجود بیاورد. به همین دلیل خلفا مامورانی را جهت نظارت بر ضرب سکه انتخاب می‌کردند و کسانی که سکه‌های تقلبی ضرب می‌کردند به مجازات‌های سنگین محکوم می‌شدند.

سکه اسلامی به لحاظ حفظ ارزش و جلوگیری از غش یا نقص پس از عیارسنجی ضرب می‌شد (سامر، ۱۳۹۱: ۲۰۳). از زمانی که سکه‌های اسلامی در پایتخت‌ها و شهرهای مهم اسلامی ضرب شدند و رواج یافتند، درهم و دینار ایرانی و رومی از اعتبار و رونق افتادند. این سکه‌ها بنا به مقتضیات زمان و مکان، حجم و شکل آن‌ها تغییر می‌کردند. در آن دوره نیز هر دولتی در شهرهای مهم اسلامی ضربخانه‌ای داشت و بابت ضرب سکه مالیات مهمی می‌گرفتند. دانستن نام ضربخانه‌های اسلامی و تاریخ‌هایی که بر روی سکه‌ها آمده قلمرو فرمانروایی سلسله‌ها و هر یک از حکومت‌ها را روشن می‌سازد.

در دوران خلفای راشدین در برخی از دارالضرب‌های ایران (اصطخر، بیشاپور، بصره، بهقباد در عراق، دارابگرد، ری، شوش، سیرجان، مرو، نهاوند، نهرتیری در اهواز، هرات و همدان) به نام‌شان سکه ضرب می‌کردند (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲-۳۳). در عصر امویان به علت گسترش قلمرو اسلامی علاوه بر منطقه شام، در اکثر دارالضرب‌های ایران، عراق و شمال آفریقا، به نام خلفا درهم و دینار ضرب می‌شدند. (به عنوان مثال: آذربایجان، اران، ارمینیه، اسکندریه، طرابلس، بخارا، بصری، بلخ، بزم قباد در فارس، جزیره، جندی شاپور، جی، حران، حلب، حلوان، حمص، حیره، خراسان، دمشق، رام‌هرمز، رها، زنجان، سرخس، فسطاط، فلسطین، کرمان، کوفه، موصل، نصیبین، نیشابور و...) (عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۹۶-۳۹۷؛ اشپولر، ۱۳۷۹: ۲/ ۲۴۲ و ۲۴۵-۲۴۶؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۴۲-۵۳ و ۱۲۷-۱۲۸ و ۱۳۱-۱۳۴ و ۱۳۹-۱۴۷؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۹۱؛ قاسم‌بگلو، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۶؛ زرین‌کوب و دیگران، ۱۳۷۹:

۳۲۰/۴). پرحاصل‌ترین یا پرکارترین ضرباخانه‌ای که درهم امویان در آن ضرب می‌شد متعلق به شهر واسط بود (زرین‌کوب و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۱۹/۴). در اواخر دوران اموی اکثر ضرباخانه‌ها تعطیل شدند. تعدادی از آن‌ها چون اندلس، افریقیه، دمشق، بصره، واسط، سامیه (در عراق)، جزیره و باب‌الابواب در سال‌های ۱۳۱-۱۳۲ هجری سکه ضرب می‌کردند (همان‌جا؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۴۴-۴۵ و ۴۹ و ۵۳ و ۱۴۲ و ۱۴۶). وجود دارالضرب‌های فراوان نشان می‌دهد که از اواخر قرن اول هجری تحولات اقتصادی در سرزمین‌های اسلامی شروع شد. دسترسی به منابع طلای آفریقا و تشکیل بازارهای فراوان زمینه گسترش ضرب سکه و استفاده از پول را فراهم نمود و موجب رشد و رونق آن شد.

وزن درهم و دینار

درهم کلمه‌ای غیرعربی است. معرب واژه یونانی دراخما «Drachma» و به فارسی نیز دراخم و دیرام می‌گویند. اصطلاحی که در ایران بعد از اسکندر به کار می‌رفت (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳؛ بارتلد، ۱۳۸۳: ۵۸). کلمه‌ی دینار از «Denarius» (بارتلد، ۱۳۸۳: ۵۸؛ لوئیس، ۱۳۸۶: ۷۳). یا دنی «Den» لاتین به معنای «ده» (زیدان، ۱۳۸۹: ۱۰۱/۱؛ ممتحن، ۱۳۸۱: ۱۷۲). گرفته شده است.

از زمانی که بشر پول فلزی را برای داد و ستد و تجارت به کار بردند، ترتیب معینی برای تقسیم وزن‌ها داده شد. به همین دلیل برای وزن کردن فلزات از وزنه‌ها استفاده می‌کردند. قبل از اسلام قریش وزن‌هایی داشتند که نقره را با واحدی به نام درهم و طلا را با واحدی به نام دینار وزن می‌کردند. به همین دلیل سکه‌های نقره را درهم و سکه‌های طلا را دینار می‌نامیدند که در اصل واحد وزن بودند. به سبب اختلاف موجود در وزن سکه‌ها، مردم در مبادلات خود، آن‌ها را وزن می‌کردند. وزن هر ده درهم برابر هفت مثقال بود. مثقال کمتر از بیست و دو قیراط (هر ۵ قیراط برابر ۱ گرم) بود. واحدی به نام رطل داشتند که دوازده اوقیه و هر اوقیه برابر چهل درهم

بود. وزنی به نام نش که معادل بیست درهم بود. واحدی نیز به نام نواۀ که معادل پنج درهم بود. در زمان حضرت محمد (ص)، خلفای راشدین و معاویه نیز وزن‌ها به همان صورت قبل بودند(بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۹-۶۵۰). ابن‌خلدون در این مورد نوشته است که، در سرزمین‌های مختلف اسلامی سکه‌های دینار و درهم از لحاظ مقدار و وزن گوناگون بودند.

بسیاری از احکام از جمله زکات، ازدواج، حد زدن و غیره به دینار و درهم وابسته بودند. به همین علت در شرع و قانون ارزش و مقدار سکه‌ها را معین کردند، از آغاز اسلام تا روزگار صحابه و تابعان وزن هر ده درهم هفت مثقال بود(ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۰۲-۵۰۳). عجمان سه نوع درهم بیست، دوازده و ده قیراطی داشتند که در مجموع چهل و دو قیراط می‌شدند. زمانی که عبدالملک وزن و معیار پول‌ها را معین نمود، سکه‌های درهم را به وزن چهارده قیراط ضرب کردند که یک سوم از مجموع این سه درهم بود(بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳/ ۱۹-۲۰؛ ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۰۱-۵۰۰؛ ۱۳۶۳: ۲/ ۷۷-۷۸). به عبارت دیگر ده درهم به وزن ده مثقال، ده درهم به وزن شش مثقال و ده درهم به وزن پنج مثقال را با یکدیگر جمع و عدد بیست و یک مثقال را بر سه تقسیم کردند و هفت مثقال به دست آمد، پس درهم‌هایی ضرب نمودند که هر ده عددش هفت مثقال بود. این امر برای مردم نیز آسان‌تر شد و برای پرداخت زکات دچار مشکل نمی‌شدند(بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۸؛ زیدان، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰۲).

قبل از اقدام عبدالملک، زکات مسلمانان به دو صورت درهم‌های بزرگ و کوچک پرداخت می‌شد. وزن دینار چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، در هر دو شکل بیزانسی و اسلامی یک مثقال و در حدود بیست و دو قیراط بود(داوودی و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۲؛ غلامی دهقی، ۱۳۹۱: ۱۰۶؛ زیدان، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰۱). عبدالملک سکه‌هایی با عیار و وزن مشخص ضرب نمود(پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۲۲). با این

وجود درباره‌ی وزن‌های درهم و دینار گفته‌های نویسندگان متفاوت است و تا حدودی اندک و ناچیز برحسب زمان و مکان تفاوت دارند. وزن درهم‌های عرب ساسانی معمولاً بین ۳/۱۰ تا ۴/۴۰ گرم بودند (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۷۷). در زمان خلیفه عبدالملک وزن هر درهم تا حدودی بین ۲/۷۰ تا ۲/۹۴ (وثیق، ۱۳۸۷: ۴۸) و یا ۲/۹۷ گرم بودند. وزن هر دینار نیز ۴/۲۵ گرم (میکل، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۴؛ گرانوسکی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۸۴) یا تقریباً بین ۴/۲۲ تا ۴/۶۴ گرم (وثیق، ۱۳۸۷: ۴۸) بودند. بنابراین در عصر اموی درهم‌ها تقریباً ۳ گرم و دینارها ۴ گرم بودند. نسبت سکه‌های طلا به نقره یک بر ده بودند (مزارعی، ۱۳۸۴: ۲۸۱؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۴۱).

نتیجه گیری

پول به عنوان وسیله‌ی مبادله در داد و ستد در بین تمامی جوامع نقش اساسی و مهمی در اقتصاد بر عهده داشت. پول تعادل میان صادرات و واردات را برقرار کرد. پول فلزی به دلیل مقاوم و بادوام بودن بهترین نوع پول بود و برای شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک دوره و منطقه خاص کاربرد بسیاری دارند. عرب‌ها سال‌ها قبل و بعد از اسلام به دلیل رابطه تجاری با کشورهای ایران و روم از درهم‌ها و دینارهای این کشورها استفاده می‌کردند و خود دارای پول خاصی نبودند. اگرچه در زمان خلفای راشدین و معاویه به تقلید از سکه‌های ایران و روم، سکه‌های ترکیبی عرب ساسانی و عرب بیزانسی در برخی از قلمرو اسلامی به نام-شان ضرب شد، ولی بسیار محدود بودند و تأثیری در اوضاع بازار نداشتند. در نتیجه این نوع از سکه‌ها در قلمرو اسلامی به رسمیت شناخته نشدند و تغییر کلی و اساسی‌ای در سیستم پولی مسلمانان به وجود نیامد.

در دوران خلافت عبدالملک بن مروان دستگاه اداری یا دیوان و مسکوکات عربی شدند. به فرمان او برای نخستین بار و به طور رسمی سکه‌های اسلامی (درهم و دینار) در سرزمین‌های اسلامی ضرب شدند. نقش سکه‌ها تغییر یافت، از متن قرآن

در دو طرف سکه استفاده گردید و وزن آنها نیز بر مبنای وزن شرعی تعیین شد. استفاده از سکه‌های ایران و روم در معاملات ممنوع اعلام گشت. این اقدام موجب وحدت و یکپارچگی قلمرو اسلامی و همچنین استقلال مالی مسلمانان نسبت به کشورهای دیگر شد. سبک عبدالملک بن مروان در ضرب سکه‌های اسلامی در زمان جانشینانش نیز ادامه یافت. ذکر نام خلفا بر روی سکه‌ها رایج نبود و تنها راه تشخیص نام آنها تاریخ ضرب سکه‌ها بودند. با رشد اقتصادی جامعه اسلامی و دسترسی به منابع طلای آفریقا، به تعداد دارالضرب‌ها در سراسر قلمرو اسلامی افزوده شد و از طرف دیگر مسلمانان در کنار استفاده از سکه، از پول‌های اعتباری نیز بهره می‌بردند. ضرب سکه و استفاده گسترده از انواع پول‌ها در معاملات، زمینه‌ساز رونق و شکوفایی اقتصادی در قلمرو اسلامی گردید.

منابع

۱. ابن‌الاثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱)، تاریخ کامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳. _____، (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
۴. ابن‌رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵)، الاعلاق‌النفیسه، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
۵. احمد، مولود، (۱۳۸۳)، پول، ارز و بانکداری، همدان: نور علم.
۶. اشیپولر، برتولد، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی.

۷. امینی، امین، (۱۳۸۷)، تاریخ و سکه در پایان امپراتوری ساسانی، یزد: نشر امین امینی.
۸. _____، (۱۳۸۹)، سکه‌های ایران قبل از اسلام، تهران: پازینه.
۹. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، (۱۳۸۳)، فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه عباس به‌نژاد، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۰. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۵)، پول و نظام‌های پولی به ضمیمه تاریخ پول از آغاز اسلام تا زمان غیبت، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۷)، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران: سمت.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
۱۳. بیات، عزیزاله، (۱۳۷۰)، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. جدی، محمدجواد، (۱۳۸۷)، مهر و حکاکی در ایران، تهران: فرهنگستان هنر.
۱۵. جمعی از مولفان، (۱۳۸۳)، تاریخ اسلام، قم: دفتر نشر معارف.
۱۶. چندلر، لسترو، (۱۳۴۶)، اقتصاد پول و بانکداری، ترجمه شریف ادیب سلطانی، تهران: نشریه شرکت اکونومیکا.
۱۷. حتی، فیلیپ خوری، (۱۳۸۰)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. داوودی، پرویز، حسن نظری، سید حسین میر جلیلی، (۱۳۸۷)، پول در اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.

۱۹. دریایی، تورج، (۱۳۸۷)، تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران: ققنوس.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت‌نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود، (۱۳۶۸)، اخبارالطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.
۲۳. زرین کوب، عبدالحسین و دیگران، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان: از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، گردآورنده ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
۲۴. زیدان، جرجی، (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
۲۵. سامر، فیصل، (۱۳۹۱)، دولت حمدانیان، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. سامی، علی، (۱۳۸۸)، تمدن ساسانی، تهران: سمت.
۲۷. شمس اشراق، عبدالرزاق، (۱۳۶۹)، نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک.
۲۸. صدر، سیدکاظم، (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. طبری، محمدبن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
۳۰. طقوش، محمدسهیل، (۱۳۸۹)، دولت امویان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳۱. عقیلی، عبدالله، (۱۳۷۷)، دارالضربهای ایران در دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۳۲. علی، صالح احمد، (۱۳۷۵)، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مشعر.
۳۳. غلامی دهقی (فریدنی)، علی، (۱۳۹۱)، اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ-نگاری مقریزی به ضمیمه متن و ترجمه کتاب اغاثه الامه بکشف الغمه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۴. قاسم‌بگلو، مرتضی، (۱۳۸۵)، سکه‌های سیراف، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.
۳۵. قدیری اصل، باقر، (۱۳۶۸)، نظریه‌های پولی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۶. کورزین، فیلیس، (۱۳۸۶)، امپراتوری اسلامی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
۳۷. گرانوسکی، ا.آ. و دیگران، (۱۳۸۵)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: مروارید.
۳۸. گولد، جولیوس، ویلیام ل. کولب، (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، به کوشش محمد جواد زاهدی، تهران: مازیار.
۳۹. لاپیدوس، ایرام، (۱۳۸۷)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: اطلاعات.
۴۰. لوئیس، برنارد، (۱۳۸۶)، خاورمیانه دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نی.
۴۱. ماوردی، ابوالحسن علی‌بن محمدبن حبیب، (۱۳۸۳)، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.

۴۲. مزارعی، عدنان، (۱۳۸۴)، تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران و ایرانیان از آغاز تا صفویه، تهران: دهخدا.
۴۳. مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، محقق و مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
۴۴. مشیری، محمد، (۱۳۵۱)، راهنمای گردآوری سکه، تهران: گوتمبرگ.
۴۵. مشیری، ملک‌ایرج، (۱۳۸۹)، عرب- ساسانی سکه‌های دوره‌ی جنگ داخلی، مانی‌گرایان، یزیدیه و خوارج دیگر، برگردان مهدیه دستمالچی، تهران: پازینه.
۴۶. مکی، محمد کاظم، (۱۳۸۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت.
۴۷. ملکزاده بیانی، بانو، (۱۳۷۰)، تاریخ سکه از قدیمترین ازمه تا دوره ساسانیان، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴۸. ممتحن، حسینعلی، (۱۳۸۱)، تاریخ سیاسی اسلام در عصر امویان، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۹. میکمل، آندره، با همکاری هانری لوران، (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
۵۰. نفیسی، سعید، (۱۳۸۴)، تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، به اهتمام عبدالکریم جربزه‌دار، تهران: اساطیر.
۵۱. نقشبندی، محمود، (۱۳۶۹)، درهم‌های عرب ساسانی، ترجمه امیر شاهد، اصفهان: فیروز.
۵۲. واقدی، محمدبن‌سعد کاتب، (۱۳۷۴)، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۵۳. وثیق، منصوره، (۱۳۸۷)، دانایر سیر دینار در تاریخ پولی ایران، تبریز: ستوده.

۵۴. هولت، پیترمالکوم، ان، ک، سلمبتون، برنارد لوئیس، (۱۳۸۷)، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.
۵۵. یعقوبی، احمدبن اسحاق، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

